

## عجله از شیطان است

از جمله اعمالی که به شیطان نسبت می دهند، عجله کردن در کارها است. آیات و روایاتی در زمینه نکوهش آن آمده است، و در یک جا قرآن می فرماید: انسان از عجله و شتاب خلق شده، ولی شما ای انسان ها! عجله و شتاب نکنید. (۲۲۴)

در جای دیگر می فرماید: انسان، همان گونه که خواهان نیکی ها است به خاطر شتاب زدگی و عدم مطالعه کافی، به دنبال بدی ها به راه می افتد، چرا که انسان ذاتا عجول است. (۲۲۵)

در جای دیگر راجع به عجله موسی برای رفتن به کوه، می فرماید: ای موسی! چرا عجله و شتاب کردی؟ (۲۲۶)

داستانش چنین بود که، خداوند به موسی وحی نمود که با عده ای از مردم برای گرفتن تورات به کوه طور بیاید. موسی از قوم جدا شد و با عجله خود را به کوه طور رسانید، در حالی که مردم هنوز در راه بودند. خداوند در خطاب به موسی می گوید: چرا در آمدن عجله کردی و با قوم خود نیامدی؟

اما روایاتی که در نکوهش شتاب در کارها از معصومان علیه السلام آمده زیاد است. از جمله: حضرت علی علیه السلام می فرماید: عجله و شتاب در کارها موجب لغزش می شود. از همین رو، وقتی می خواهد مالک اشتر را والی مصر کند به ایشان می نویسد: ای مالک! در تصدیق سخن چینان تعجیل کن! زیرا آنان گرچه در لباس ناصحین جلوه گرمی شوند، خواه ناخواه خیانت می کنند. (۲۲۷)

مکن در مهمی که داری شتاب

ز راه تائی عنان بر متاب

که اندر تائی زیان کس ندید

ز تعجیل بسیار کس خجالت کشید

در روایت دیگر می‌فرمایند: شتاب زدگی در کارها از شیطان و فکر کردن در آنها از رحمان است. (۲۲۸)

خود شیطان هم، بد عاقبت شد، به این دلیل که در قضاوت عجله کرد و گفت: من از آدم بهتر هستم زیرا او از خاک است و من از آتش. عجله در گفتار و کردار و رفتار در همه جا ناشایست و اعمال شیطان به حساب می‌آید، مگر در چند جا:

۱. توبه کردن از گناه که عجله کردن در آن خواب است، زیرا ممکن است عمر انسان تمام شود و با حال گناه از دنیا برود. و در نتیجه داخل آتش خواهد شد. (۲۲۹)

۲. عجله در به جا آوردن حج، زیرا ممکن است عمر انسان کفاف ندهد که آن را در سال‌های بعدی به جا آورد، یا مال او تلف یا راه ناامن شود.

۳. عجله در پرداخت بدهی مردم، چون یکی از واجبات فوری، پرداختن حقوق و قرض مردم است و تأخیر در آن گناه دارد.

۴. عجله در غسل جنابت، زیرا انسان جنب تا زمانی که غسل نکرده از خدا و قرآن فاصله دارد، تا جایی که حق ندارد دست روی اسم خدا بگذارد.

۵. عجله برای خواندن نماز اول وقت و شرکت در نماز جماعت، از این رو که تأخیر آن باعث می‌شود انسان از ثواب‌هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امامان بزرگوار وعده فرموده‌اند، محروم شود. (۲۳۰)

۶. شتاب در آوردن طعام برای مهمان. شاید مهمان گرسنه باشد و شرم کند که بگوید من گرسنه هستم، و گرسنه بماند.

۷. عجله در ازدواج جوانان چه دختر و چه پسر، چون در آن آفاتی است، به خصوص دختران. در این باره حدیثی می‌گوید: روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم تشریف بردند بالای منبر، بعد از حمد و ثنای الهی فرمودند: ای مردم! جبرئیل از جانب خداوند به من خبر داد و گفت: دختران جوان و بکر مانند میوه‌های رسیده هستند که اگر آن را نچینند خورشید آنان را فاسد می‌کند. دختران جوان هم اگر شوهر نکنند فاسد می‌شوند. هیچ دوايي برای آنان نیست مگر شوهر کردن. (۲۳۱)

۸. عجله کردن در تجهیز و دفن میت، زیرا در تأخیر دفن میت، هم توهین به میت است و هم به بازماندگان او و ممکن است در اثر گرمای زیاد بوبگیرد. در این چند جا عجله نیکو می باشد و به نفع جامعه است.

### ساختن ساز از اعمال شیطان است.

۳۸. اولین کسی که دستگاه ساز را ساخت و خود هم در آن دمید شیطان بود. علت اختراع و ساختن آن از این قرار است: وقتی قابیل از روی حسادت برادر خود هابیل را در غیاب پدرش آدم علیه السلام کشت، از ترس پدر فرار کرد و در میان کوه ها آواره شده، از تنهایی رنج می برد و نمی دانست چه کند. تا این که رفیقش شیطان او را از تنهایی و وحشت نجات داد و سازی ساخت و نخست خود در آن دمید و به دیگران هم یاد داد.

وقتی حضرت آدم علیه السلام از دنیا رفت و قابیل امنیت یافت آشکار شد و با شیطان ساز می زدند و می رقصیدند.

در مجلسی که ساز نواخته شود و عده ای گرداننده آن شوند، خود شیطان هم ساز به دست می گیرد و با نوازندگان می نوازد و مردم و اهل آن مجلس را به سر مستی و شادابی می کشاند. در خانه ای که ساز نواخته شود و آواز و غنا در آن بخوانند، غیرت و مردانگی از اهل آن خانه دور می شود.

اسحاق بن بریر می گوید: از امام صادق علیه السلام، شنیدم که فرمود: نام یکی از شیاطین «قنذر» است. او مسئول گرفتن حیا و حمیت افرادی است که در مجلس ساز و آواز حاضر می شوند - هرگاه در خانه ای چهل روز ساز زده شود به طوری که مردم در آن مجلس اجتماع کنند، آن شیطان، هر یک از اعضای بدنش را بر همان عضو صاحب خانه می گذارد و در همان عضو می دمد. مروت صاحب خانه گرفته و بی غیرت می شود، به طوری که اگر ناموس او در خطر افتد باکی ندارد و ناراحت نمی شود! (۲۳۲)

لهو الحديث که در قرآن آمده: انحراف از راه راست و یا همان آلات ساز و آواز است. (۲۳۳) در روایتی آمده: شنیدن ساز و آواز انفاق را در قلب انسان می‌رویاند همان طور که آب، زراعت را می‌رویاند. در روایت دیگر دارد، کسی که به سخن سخن گویی گوش دهد او راپرستیده، و شیطان هم اول کسی است که بعد از خارج شدن آدم از بهشت آواز خواند و خرسند شد. (۲۳۴)

### حضرت رسول (ص) برای شیطان هم رحمت است.

وجود مبارک حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم برای همه جهانیان، اعم از جن و انس، رحمت و برکت است. آن گونه که قرآن مجید می‌فرماید:

«و ما ارسلناک الا رحمة العالمین»

«ای پیامبر گرامی - ما تو را برنگزیدیم، مگر این که برای جهانیان رحمت و برکت باشی»». (۲۳۵)

نه این که وجود مبارک آن حضرت فقط برای جن و انس رحمت است، بلکه برای دشمن ترین دشمنان ایشان هم رحمت است. رحمت بودن حضرت آن لعین را هم در بر می‌گیرد.

در کتاب «معارج النبوة» نقل شده: چون خداوند متعال ابلیس را از درگاه خود راند و او را مشمول لعن خود و ملائکه قرار داد، فرشته‌ای را بر آن داشت تا هر روز چند سیلی بر پشت گردن آن ملعون بزند. آن سیلی‌ها بسیار درد آور بود به گونه‌ای که اثر آن تا روز دیگر او را می‌آزرد.

بعد از آن که خداوند وجود مقدس خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله وسلم را برگزید و آیه فوق را درباره ایشان نازل فرمود، شیطان به درگاه خداوند بنالید و عرض کرد:

خدایا! من نیز از عالمیان هستم، آیا مرا از این آیه رحمت هیچ بهره و نصیبی نخواهد بود؟ رحمت آن حضرت شامل حال من نخواهد شد؟

خطاب آمد: چرا. رحمت وجود ایشان تو را هم بهره‌مند می‌کند. سپس به آن فرشته‌ای که هر روز او را طپانچه می‌زد فرمود: از هم اکنون طپانچه و سیلی بر او نزن، و او را معاف‌دار تا او نیز از وجود مقدس آن حضرت و رحمت بودن ایشان بهره برده باشد و این آیه شامل حال او هم بشود. (۲۳۶)

نه این که رحمت بودن آن حضرت فقط شامل حال ابلیس شد، بلکه همه شیاطین نیز از آن برخوردار شدند. مسلم است که همه شیاطین نعمت وجود را که بالاترین نعمت‌ها است به طفیل وجود مبارک آن حضرت می‌دانند و اقرار دارند که وجود آنان در پرتو وجود آن حضرت است. آن چنان که در حدیث قدسی آمده:

«لو لاک لما خلقت الا فلاك»

«اگر وجود مبارک تو نبود، زمین و آسمان - بهشت و جهنم و هر آن چه در جهان هست - را خلق نمی‌کردم». (۲۳۷) (پس آفرینش همه چیز در سایه سار هستی فرستاده خدا معنا یافت.)

### گاهی شیطان به انسان نزدیک می‌شود

انسان باید طوری رفتار کند که شیطان همواره از او دور شده و فاصله بگیرد. مواظب باشد که به او نزدیک نشود، ولی گاهی انسان از روی بی‌اطلاعی یا بی‌توجهی ممکن است کاری کند که به وسیله آن، شیطان خود را به او نزدیک کند و امکان دارد ضرری هم به او برساند. از جمله:

۱. بول کردن بر روی قبر یا کنار آن، این کار توهین و جسارت به اهل قبور است. (۲۳۸)

۲. ادرار کردن در آب ایستاده و راکد، چون موجوداتی که در آب هستند اذیت می‌شوند و یا از بین می‌روند.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: در آب ایستاد بول نکنید، زیرا برای آب هم اهلی هست و در اثر بول کردن در آب آنها اذیت می‌شوند.

۳. در حال ایستاده بول کردن - و این نیز برای وجود انسان طبق

نظریه پزشکان، زیان دارد. (۲۳۹)

۴. با یک کفش راه رفتن - یعنی یک پای انسان کفش داشته و یک پا بدون کفش باشد.

۵. در حال ایستاده آب آشامیدن - روایتی می گوید: آشامیدن آب به حال ایستاده، مکروه است.

۶. شب را تنها خوابیدن - خانه‌ای که غیر از انسان کسی در آن نباشد.

۷. تنه‌ها در آب رودخانه‌های بزرگ یا سیلاب شنا کردن، چون احتمال خطر می‌رود - که شیطان در این هنگام با سرعت خود را به انسان نزدیک کند. و گاهی نیز باعث از بین رفتن او شود. (۲۴۰) در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام آمده که، اگر کسی این کار را کرد و دچار بلا و ناراحتی شد، سرزنش نکند، مگر خودش را.

### چهار زن از دست شیطان رهیدند

از آن جایی که شیطان قسم خورده همه فرزندان آدم را گمراه نمایند و هر گروهی را با نقشه‌ای از راه بیرون کند، و تا کنون انجام داده و بعداً هم انجام خواهد داد، یکی از آنها که برای او خیلی هم آسان می‌باشد طایفه زنان‌اند. اولین کسی را هم که گول زد و وسوسه‌اش در او اثر نمود حضرت حوا، مادر آدمیان بود.

روزی آن ملعون پیش رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم آمد، حضرت از او چند چیز پرسید و او هم همه را پاسخ داد. یکی از آنها این بود: رفیقان تو کیان‌اند؟ پاسخ داد: دروغ‌گویان، غمازان و زنان. پرسید: دام تو چیست؟ گفت: زنان. به واسطه اینان مردان را از راه مستقیم بیرون می‌برم، و خود ایشان را با مکر و حيله و دل‌سوزی به کارهای ناشایسته وادار می‌کنم و به این وسیله، جهنمی می‌نمایم.

فرمود: چه تعداد از زنان از تو فرمان برداری می‌کنند و تابع تو هستند. عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم! آن قدر زیاداند که نمی‌توان شماره کرد و به حساب آورد. ممکن است از هزاران

زن فقط یکی از من اطاعت نکند و بقیه گوش به فرمان من هستند و مایه دل گرمی و امید من به آنان است.

آن حضرت علیه السلام پرسید: تا به حال بر چند زن غالب نشدی و نتوانستی بر آنان چیره شوی؟ عرض کرد: یا رسول الله! تا به حال بر چهار زن دست نیافتم - و آنان زنان نمونه بوده‌اند.

نخست آسیه، زن فرعون، دختر مزاحم، عمری در خانه فرعون، که ادعای خدایی می‌کرد، زندگانی نمود و یک لحظه به خدای خود کافر نشد و فرعون را به خدایی نپذیرفت. مطیع پیغمبر زمان خود حضرت موسی (ع) بود و در پایان هم به دست فرعون به شهادت رسید. دوم مریم، مادر حضرت عیسی علیه السلام که از روز تولد در بیت المقدس بوده و از اول تا آخر عمرش به عبادت خداوند متعال به سر برد و دست نامحرمی به وی نرسید. خداوند از لطف و عنایت خود بدون شوهر، حضرت عیسی (ع) را به او عنایت کرد.

سوم خدیجه، همسر و حرم تو. آن زنی که همه دارایی خود را به تو سپرد و همه را وقف اسلام و هدف شما نمود. در لحظات دشوار از اسلام و مکتب تو پشتیبانی کرد.

چهارم، که از همه آنان بهتر و گرامی‌تر است، دخترت فاطمه (س) می‌باشد. در همه دنیا زنی به خوبی و شایستگی و ایمان و علم و اخلاق او نیامده است. (۲۴۱)

### در تنگناها از شر شیطان به خدا پناه ببرید

در بعضی جاها باید از شر شیطان رانده شده به خداوند بزرگ پناه برد و شیطان را از خود دور نمود.

چگونه و با چه لفظی باید این کار را کرد، نکته‌ای است. آن چه معروف و مشهور در میان مردم است و همه گان می‌گویند این عبارت است:

«اعوذ بالله من الشیطان الرجیم».. در روایتی هم هست

که امام صادق علیه السلام به هنگام تلاوت سوره حمد و هنگام

نماز می فرمود: «اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم». (۲۴۲)

لازم است مقدمات این را هم بدانیم که منظور، فقط گفتن جمله فوق به زبان نیست، زیرا تا قلب شخص متوجه آن نباشد، و مفهوم آن را درک نکند سودی ندارد، یعنی افزون بر گفتن جمله بالا، باید توجه به خدا هم در دل باشد، و خود را از هوا و هوس، تعصب غرور، کبر و خودبینی، خودخواهی و خود محوری جدا نماید، از هر چیزی که انسان را از یاد خدا و توجه به نماز و عبادت غافل می کند بر کنار دارد، زیرا ممکن است با گفتن «اعوذ بالله» شیطان دور نشود و باز انسان را وسوسه کند و به شک اندازد. اما وقتی قلب متوجه خدا باشد و از صفات پلید، پاک و پاکیزه گردد، و با تقوا و ورع آباد گردید، دیگر شیطان به او دسترسی ندارد و از او دور می گردد و جایی برای وسوسه و به شک انداختن باقی نمی ماند. معنی پناه بردن به خدا از شر شیطان همین است.

اما جاهایی که باید از شر آن ملعون به خدا پناه برد، طبق دستور قرآن و معصوم از این قرار است .

۱ - هنگام خواندن قرآن:

«اذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم»

«هنگامی که می خواهی قرآن بخوانی از شر شیطان رانده شده و به خدا پناه ببر - تا درک درست حقایق آن برای تو آسان شود». (۲۴۳)

۲. زمان نماز: در روایاتی آمده که، هنگام نماز، شیطان حاضر می شود و آن قدر نماز گزار را وسوسه می کند تا از حالت نماز بیرون آید. حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: وقتی بنده خدا مشغول نماز می شود، شیطان می آید و می گوید: به فکر فلان چیز و فلان کس، و فلان کار باش و چیزهایی را در ذهن انسان ردیف می کند تا وقتی که فراموش کند نماز می خواند و چند رکعت خوانده است. (۲۴۴)

از این رو، هنگام نماز باید از شر شیطان به خدا پناه برد که آن ملعون از انسان دور شود و فکر انسان را به چیزهای دیگر مشغول نکند. ابن عباس نقل کرده: اول چیزی که جبرئیل به حضرت رسول صلی



الله علیه و آله وسلم نازل کرد این بود که گفت: ای محمد! بگو  
«اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» بعد از آن گفت: ای محمد!  
بگو: «بسم الله الرحمن الرحیم».<sup>(۲۴۵)</sup>

مستحب است وقت نماز، بعد از تکبیرة الاحرام و قبل از  
«بسم الله» انسان «اعوذ بالله من الشیطان  
الرجیم» بگوید، و ثوابی که برای این جمله وارد شده این است  
که، هر کس آن را بگوید به عدد هر مویی که در بدن انسان است عبادت  
یک سال در نامه عمل او نوشته می شود.<sup>(۲۴۶)</sup>  
۳. هنگام وسوسه شیطان: خداوند متعال در قرآن مجید در این  
باره می فرماید:

«و اما ینزغنک من الشیطان نزغ فاستعذ بالله انه سمیع علیم»  
ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف، من الشیطان تذکروا فاذا مبصرون»  
«هرگاه وسوسه های شیطان متوجه تو شد، به خدا پناه ببر و خود را  
به او بسپار، و از لطفش مدد بخواه، زیرا او، هم سخن تو را می شنود و  
از اسرار درونت آگاه و هم از وسوسه های شیاطین با خبر  
است»<sup>(۲۴۷)</sup> بعد از آن راه غلبه و پیروزی بر وسوسه های شیطان را  
به این صورت بیان می کند:

هنگامی که وسوسه های شیطانی، پرهیزکاران را احاطه می کند، به  
یاد خدا و نعمت های بی پایان، و عاقبت شوم گناه و مجازات دردناک  
خدایافتند. در این هنگام ابرهای تیره و تار وسوسه از اطراف قلب آنها  
کنار می رود و راه حق را به روشنی می بینند و آن را انتخاب می کنند.  
انسان در هر مرحله ای از ایمان، و در هر سن و سال که باشد گاه  
گاهی گرفتار وسوسه های او می گردد. گاهی در خود احساس می کند  
که نیروی محرک شدیدی در درون جانش آشکار شده و او را به گناه  
دعوت می نماید، آن نیرو غیر از وسوسه های شیطان و شیطان صفتان،  
چیز دیگری نیست و در اثر یاد خدا و تقوای قلب، تمام وسوسه ها  
کنار می رود.

۴. موقع طلوع و غروب خورشید، باید از شر شیطان به خدا پناه برد،  
زیرا این وقت، وقت غفلت و بی توجهی انسان به خدا است.

۵. وقتی که صدای زوزه سگ ها و الاغ ها بلند شود، باید از شر شیطان

به خدا پناه برد، زیرا آنها شیاطین را می بینند و شما نمی بینید.

### شیطان در چند جا زوزه کشید

اول، وقتی که حضرت آدم علیه السلام توبه کرد و خداوند توبه او را پذیرفت - هنگامی که او از بهشت اخراج شد، دویست سال گریه کرد تا این که جبرئیل نازل شد و گفت: ای آدم آن اسامی که بر ساق عرش نوشته بود بخوان و خدا را به آنها قسم بده تا توبهات قبول شود - و آنها را به آدم یاد داد. - چون حضرت آدم خدا را نافرمانی کرد و از بهشت بیرون آمد، شیطان خوش حال که آدم هم مانند او از بهشت رانده شده است، ولی آدم با توجه به خدا توبه اش پذیرفته شد. این شیطان ملعون از سوز دل ناله کرد که ملائکه آسمان و زمین را متوجه کرد و همه او را لعنت کردند. (۲۴۸)

دوم، روزی بود که حضرت یوسف از دست زلیخا گریخت، و وقتی زلیخا یوسف را خرید، عاشق او شد و او را در سالن شاهی برد و درها را بست، شیطان خوش حال شد که پیغمبر زاده و گبر زاده را در مجلس خلوتی جمع کرده، یوسف زنا می کند، و نامش از مرتبه نبوت محو خواهد شد! هنگامی که یوسف فرار کرد و خود را نجات داد، بر مقام و مرتبه او افزوده می شود - این بود که شیطان از سوز دل ناله ای کرد که ملائکه صدای او را شنیدند و لعنتش نمودند. (۲۴۹)

سوم، در عید غدیر خم وقتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضرت علی علیه السلام را به خلافت نصب کرد و فرمود: >>

«من كنت مولاه فعلي مولاه» بعد فرمود: ای مردم! دوستی

علی حسنه است. با دوستی و ولایت علی هیچ گناهی مانع از رفتن به بهشت نمی شود. در این هنگام شیطان از دل پر درد خود ناله ای کشید و گفت: از این پس چه کنم و چاره من چیست؟ اولاد خود را جمع کرد و گفت: تامل کنید مردم را به شک اندازید. محبت و ولایت و دوستی علی را چنان بر مردم مشتبه کنید که او را به خدایی باور کنند و از راه

غلو به جهنم بروند. و عده‌ای از راه و روش او برگردند و جهنمی شوند. (۲۵۰)

چهارم، روز عاشورا بشیاء زحمت کشید تا زمینه‌ای فراهم آورد به طوری که همه لشگر عمر سعد علیه امام حسین علیه السلام شوریدند و او را به قتل رساندند! آن گاه همه شیاطین، روی زمین پخش شدند و باشادی و خوانندگی ابراز خرسندی کردند. شیطان می‌گفت: عجب خلق خدا را گمراه کردم. گاهی به صورت شمر و گاهی به صورت عمر سعد مردم را واداشت تا بجنگند. سرانجام گفت: کار را درباره فرزندان آدم به پایان رساندم. آن چه مقصود من بود امروز دست گیرم می‌شود. جبرئیل پرسید: این همه سرخوشی تو برای چیست؟

### ای سگ ملعون جواب من بگو

#### راست گوی و در دغا زوزه مجو

گفت: به خاطر این که از زمان حضرت آدم تا کنون چنین حادثه‌ای واقع نشده و نخواهد شد.

بعد از آن که حضرت علیه السلام به شهادت رسید، درهای آسمان گشوده شد تا ملائکه، کربلا را ببینند. زمانی که شیطان با خبر شد خداوند چه ثوابی برای پیروان و زیارت کنندگان او قرار داده، از کرده خود پشیمان شد از روی حسرت و ندامت نعره‌ای کشید که جمیع ملائکه او را لعنت کردند. گفت «واویلاه» قضیه بر عکس شد و مردم بیشتر داخل بهشت شدند. (۲۵۱)

پنجم، روزی که بهشت بر او حرام شد و به زمین آمد از ناراحتی فریادی زد که، چرا از آن مقام قرب و جمع ملائکه رانده شده و باید در زمین تنها باشد. (۲۵۲)

ششم، وقتی تکبر نمود و آدم را سجده نکرد، خداوند و جمیع ملائکه او را لعن کردند. او از حسرت و دوری از بهشت و از دست رفتن حسنات و عبادت‌هایش فریادی کشید. (۲۵۳)

هفتم، وقتی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم به پیامبری مبعوث شد و مردم را از نادانی و گمراهی و جهنم نجات داد و

به سوی بهشت رهنمون ساخت، زوزه‌ای کشید. (۲۵۴)

هشتم، زمانی که آیه توبه نازل شد، (۲۵۵) مبنی بر این که انسان اگر گناهی کند یا ظلمی به خود و دیگران روا دارد و سپس خدا را بخواند و طلب استغفار نماید، خداوند تمام گناهان او را می‌بخشد. در این موقع شیطان فریادی کشید و ناله زد به طوری که تمام بچه شیطان‌ها دور او جمع شدند و احوال او را پرسیدند؟ گفت: آیه‌ای نازل شده که خدا تمام گناهان را می‌بخشد و زحمات ما باطل می‌شود. (۲۵۶)

نهم، بعد از تولد حضرت عیسی علیه‌السلام وقتی می‌خواست به آسمان رود، فرشتگان به دستور خداوند او را سنگ باران نمودند و از آسمان چهارم برگرداندند. (۲۵۷)

دهم، وقتی که آخرین پیامبران (حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم) پا به عرصه وجود گذاشت ناله او بسیار سوزناک بود. یازدهم، وقتی سوره مبارکه «حمد» نازل شد فریادی زد و یاران خود را فرا خواند و داستان آمدن سوره را بیان کرد. و به او گفتند: ای «عزایل!» چرا از نازل شده این سوره نالیدی؟! گفت: من در لوح محفوظ دیدم که نوشته بود، اگر بنده‌ای از بندگان خدادار تمام طول روز گناه کرده باشد و پیش از آن که آفتاب غروب کند، طهارت بگیرد و سه مرتبه این سوره را بخواند، به برکت آن، همه گناهانش آمرزیده می‌شود و بدون واسطه از میان عرش ندایی آمد که ای بنده من! گناهانت را آمرزیدم و اسم تو را در دفتری که اسم صالحان را در آن نوشته‌ام ثبت کردم! (۲۵۸)